

میرز امحبعلی خان ناظم‌الملک مرندی یکانلو: دولتمردی ناشناخته از عصر ناصری*

نصراله صالحی^۱

چکیده

میرز امحبعلی خان ناظم‌الملک مرندی یکانلو، از اواخر دوره محمدشاه قاجار، تا سال ۱۳۰۹ قمری، کمی بیش از پنجاه سال، به عنوان یکی از رجال وزارت امور خارجه، عهده‌دار مسؤلیت‌های مهمی بود. وی کار خود را با دستیاری و منشیگری میرزاجعفرخان مشیرالدوله شروع کرد. همراه او به مأموریت عثمانی رفت. بعد از درگذشت میرزاجعفرخان، به عنوان رئیس کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی، جانشین وی شد و به مدت چند دهه عهده‌دار این مسؤلیت بود. وی با وجود چند دهه تلاش مستمر عملی و قلمی در راه دفاع از تمامیت ارضی ایران، در مرزهای غرب و شمال شرق کشور؛ متأسفانه، هنوز در زمره یکی از رجال ناشناخته معاصر باقی مانده است. پژوهش‌های مربوط به رجال‌شناسی در تاریخ معاصر ایران، متأسفانه به زندگی چند شخصیت بزرگ معطوف و منحصر شده است. پرداختن به زندگی شخصیت‌های ناشناخته، اما مهم و مؤثر، حتی در حد طرح موضوع، تنها راه شکستن چنین انحصاری است. این پژوهش با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و دست‌نوشته‌ها به ویژه اسناد و نسخه‌های خطی باقی مانده از میرز امحبعلی خان به این پرسشها پاسخ می‌دهد: میرز امحبعلی خان کیست؟ کارنامه او در طول پنج دهه فعالیت مستمر در عرصه روابط خارجی چیست؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد: وی در مکتب دولتمردان بزرگی نظیر میرزاجعفرخان مشیرالدوله پرورش یافت. جانشین او شد و در طول چند دهه مناسبات خارجی ایران به ویژه با عثمانی و انگلیس توانست در مذاکرات سیاسی برای تحدید حدود مرزهای غربی و شمال شرق کشور، از تمامیت ارضی ایران با شایستگی تمام دفاع کند. اسناد به جا مانده از او گواه صادقی است بر این موضوع. واژگان کلیدی: میرز امحبعلی خان، ایران، قاجار، عثمانی، تحدید حدود، هشتادان.

Mirza Moheb'Ali Khan-e Nazem-ol Molk Mrandi Yekanlou: An Unknown Statesman of the Qajar Era

Nasrollah Salehi²

Abstract

From the very last days of the reign of Muhammad Shah Qajar (r. 1834-1848) to 1892/1309, Mirza Moheb'Ali Khan Nazem-ol Molk, as one of the Foreign ministry officials, takes over the main responsibilities in Iran and Ottoman demarcation for more than fifty years. He began his work as an assistant for Mirza Jafar Khan Moshir-ol-Doleh who was the head of Iran and Ottoman border commission. After the death of the latter, he succeeded the position and maintained the office for some decades. Despite decades of practical efforts and writing treatises and taking part in various border commissions to defend the territorial integrity of Iran, He is still, unfortunately, one of the unknown statesmen in the Qajar era. Studies on the lives of influential figures in the contemporary history of Iran, unfortunately, focus on the lives of a few distinguished figures. This study, through use of historical approach and descriptive-analytical method and use of archival documents and manuscripts, particularly those remaining from Moheb'Ali Khan, answers the following questions: Who is Mirza Moheb'Ali Khan? What is his role and function during the five decades of his actively involved in the field of foreign relations? The results of this study shows: He was raised by the tradition of great statesman like Mirza Jafar Khan Moshir-olDoleh. He was successful for decades in Iran's foreign relations, especially with the Ottoman and British political negotiations for the delimitation of boundaries in the West and North East of the country, with competence all defend the territorial integrity of Iran. Documents left behind him, confirms this issue properly.

Keywords: Mirza Moheb'Ali khan, Ottoman empire, Iran, Qajar, Hashtadan, Border, Demarcation.

مقدمه

میرزاجمعیلی خان مرنندی یکانلو،^۳ ملقب به ناظم‌الملک،^۴ و معتمدالسلطان،^۵ و مهندس،^۶ جغرافی‌دان،^۷ یکی از رجال وزارت امور خارجه در دوره ناصری است. در طول بیش از پنجاه سال، مسئولیت‌ها و مأموریت‌های مهمی برعهده داشت. سال‌ها ریاست کمیسیون تعیین حدود ایران و عثمانی و در اواخر زندگی ریاست کمیسیون تعیین حدود ایران و افغانستان را برعهده داشت. جدای از سیاست، در عرصه‌های علمی و فرهنگی نیز آثاری از خود برجای گذاشت.^۸ در خوشنویسی مهارت داشت و آثار متعددی به خط او باقی مانده است.^۹ از جمله کتاب تاریخ ناپلئون بناپارت، به خط شکسته نستعلیق زیبای او که مورخ ۱۲۶۲ قمری است، در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می‌شود.^{۱۰} آثار دیگری نیز به خط او در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.^{۱۱} وی زبان ترکی عثمانی

۳. وی در مقدمه جلد اول حقوق بین‌الملل، از خود با عنوان «مجمعی منشئی یکانلو» یاد کرده است. نک: نسخه خطی شماره ۱۴۰۵ کتابخانه ملی.

۴. در بیشتر منابع از او با لقب ناظم‌الملک یاد شده است.

۵. نگارنده تنها در دو جا به این لقب برخورده است: یکی در عنوان رساله ترکی خطی موجود در کتابخانه ملی ملک به شماره ۴۳۲۶ با عنوان «لایحه معتمدالسلطان میرزاجمعیلی خان که در اسلامبول برای تشخیص حدود ایران و حقیقت، خودش نوشته است»؛ دیگر در «سفرنامه مأموریت سرحد قطور برای تعیین حدود» که از سوی فرزندش میرزا جهانگیرخان به عنوان منشی هیأت به نگارش درآمده است. وی در صفحه نخست این سفرنامه می‌نویسد: «علی‌هذا حسب الامر الاقدس الاشرف الاعلی روح العالمین فده معتمدالسلطان میرزاجمعیلی خان ناظم‌الملک...» کپی نسخه خطی این اثر در اختیار دکتر اسماعیل شمس است. به لطف ایشان امکان استفاده از آن فراهم شد.

۶. ابراهیم صفایی از او با عنوان «مجمعی خان مهندس» یاد کرده است. نک: ابراهیم صفایی، *اسناد سیاسی دوران قاجار* (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۹۸.

۷. *ممتحن الدوله شقاقی* از او به عنوان «اول ژاگراف طبیعی» یاد کرده است. نک: میرزاهدی خان ممتحن الدوله شقاقی، *رجال وزارت خارجه*، به کوشش ایرج افشار (تهران: نشر اساطیر، ۱۳۶۵) ص ۹۲.

۸. در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی به چند اثر از میرزاجمعیلی خان اشاره شده است. از جمله ترجمه حقوق بین‌الملل (جلد اول و دوم) اثر اوپوکار. این اثر در سال ۱۲۶۹ و ۱۲۷۱ از ترکی به فارسی ترجمه شده است. نک: ج ۳، ص ۴۶۲. همچنین اثر دیگری با عنوان *تاریخ کشف و فتح آمریکا*، که از ترکی به فارسی ترجمه شده است. نک: ج ۲، ص ۶۴ و نیز *فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی*، ج ۷، (۱) ص ۳۶.

۹. برای آگاهی از نسخه‌هایی که کاتب آن‌ها میرزاجمعیلی خان بوده نگاه کنید به: *فهرستواره دست نوشته‌های ایران (دنا)*، ج ۱، ص ۴۲۷ و ج ۴، ص ۴۹۶ و ج ۵، ص ۵۴۸ و ج ۸، ص ۴۶؛ نیز، مقاله «نسخه‌های خطی ترکی در کتابخانه سرکار فیض آثار رضوی» به قلم محمد وفادار مرادی، متن pdf این نوشته در اینترنت قابل دسترسی است.

۱۰. نک: قمست پایانی معرفی نسخه کتابچه عضدالملکی در کتابخانه ملی به شماره ۱۷۹۶۳-۵.

۱۱. از جمله: *تحریر اقلیدس*، به شماره ۱۲۱۱۱؛ *قانون و قاعده توپخانه*، مولف جعفر بن حسینی تبریزی، به شماره ۱۲۱۵۴؛ *بدایع الحساب در ریاضیات* از میرزاجعفرخان مشیرالدوله (این اثر در نیاوران تهران به سال ۱۲۶۲ در ۱۳۷ ورق کتابت شده است) به شماره ۱۲۰۰۳؛ *ترشیح الاعمال* از محمدزمان مشهدی، به شماره ۱۶۴۲۴؛ *فرحنامه فاطمی در حکمت*، به شماره ۲۸۹۰۵. از آقای رضا نقدی، کارشناس محترم مرکز پژوهش‌های آستان قدس رضوی، برای در اختیار گذاشتن این اطلاعات سپاسگزارم.

را می‌دانست و چند اثر از این زبان به زبان فارسی ترجمه کرد.^{۱۲} او نخستین کسی بود که کتابی در حقوق بین‌الملل^{۱۳} را به فارسی برگرداند.^{۱۴} با این همه، ناظم‌الملک هنوز در زمره رجال ناشناخته ایرانِ عصری ناصری به شمار می‌آید و درباره زندگی و فعالیت‌های او پژوهشی انجام نشده است. در برخی منابع، آگاهی‌های پراکنده‌ای درباره او آمده است. در کتاب شرح رجال بامداد، با این که درباره فرزند او، میرزاجهانگیرخان ناظم‌الملک، توضیحی در حد یک صفحه آمده،^{۱۵} اما درباره پدر او، هیچ توضیح مستقلی نیامده است. در کتاب رجال وزارت خارجه نیز درباره میرزماحبعلی‌خان به صورت کوتاه سخن به میان آمده است:

از سادات صحیح‌النسب متوطنین شهر مرند من ولایات آذربایجان و از منشیان و صاحب‌قلمان حوزه مرحوم میرزاجعفرخان مشیرالدوله که سال‌ها با ایشان مصاحب و در خدمات دولتی چه در سفارت لندن و اسلامبول، چه در کمیسیون مختلط سرحدی، چه در تولیت آستان سرکار فیض آثار شراکت داشتند. پس از درگذشتن مرحوم مشیرالدوله داخل هیئت مرکزی خارجه گشته، ناظم و رئیس دفتر وزارت خارجه بودند و چون در اسناد تاریخی مربوط به حدود ایران، ید طولایی داشته و اول ژاگراف طبیعی بودند، مدت‌ها ریاست کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی و تعیین حدود راجع به ایشان و در کمال امانت و دیانت خدمت بدین خاک فرموده، مدتی کارگزار خراسان و بعد مأمور مخصوص ایران در مجلس سرحدی منعقد در اسلامبول بودند. سال‌ها معلومات ایشان در مسأله کلیه حدود ایران، دولت را به کار خواهد بود و میرزاجهانگیرخان ناظم‌الملک پسر آن مرحوم جانشین بحق پدر می‌باشند.^{۱۶}

در این گزارش مختصر، نه به تاریخ تولد و مرگ میرزماحبعلی‌خان اشاره شده و نه از سال‌هایی که عهده‌دار مقام‌ها و مسئولیت‌های مختلف دولتی بوده، سخن به میان آمده است. بنابراین،

۱۲. از جمله تاریخ کشف آمریکا که در دو جلد و ۹۷ ورق است و به شماره ۴۱۸۳. نسخه‌های دیگری از این اثر در کتابخانه ملی موجود است.

۱۳. به نوشته محبعلی‌خان این اثر در سال ۱۲۶۳ قمری در وین از زبان نمساوی به ترکی ترجمه شده و بعد از رسیدن آن به دارالخلافه تهران از سوی او به فارسی برگردانده شده است. ترجمه جلد اول آن در رجب ۱۲۶۹ و ترجمه جلد دوم در ربیع‌الثانی ۱۲۷۱ پایان یافته است. نک: نسخه خطی در کتابخانه ملی به شماره ۱۴۰۵ و کتابخانه مجلس به شماره ۷۹۰۸.

۱۴. آدمیت درباره این اثر می‌نویسد: «میرزماحبعلی‌خان یکانلو نخستین کتاب را در حقوق بین‌المللی عمومی به عنوان «حقوق ملل» به فارسی ترجمه کرد. از عهده نگارش آن خوب برآمده و فصل مهمی در «حقوق موضوعه ملل» و اصول حاکمیت به عنوان «حقوق اطلاق و استقلال» دارد و از مفهوم «ارادة ملت» به عنوان منشأ قدرت دولت سخن گفته است.» نک: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، (تهران: خوارزمی ۲۵۲۵) ص ۳۸۰.

۱۵. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۵ (تهران: زوار، ۱۳۴۷)، ص ۵۶. نیز ج ۱، ص ۲۸۵. گفتنی است که به تازگی رساله‌ای نویافته و مختصر از میرزاجهانگیرخان منتشر شده است. نک: منبزه صدری و رحیم نیکبخت: «هویت ایرانی در آستانه مشروطه به روایت رساله‌ای نویافته از میرزاجهانگیرخان ناظم‌الملک»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال اول، ش ۱ و ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، ص ۲۱۵-۱۸۷.

۱۶. ممتحن‌الدوله شقاقی، ص ۹۲.

بازسازی زندگی چنین شخصیتی، از خلال آگاهی‌های جسته و گریخته در منابع، کار دشواری است. با این حال، در نوشتار حاضر تلاش شده است تا با استناد به نوشته‌های باقی مانده از وی و نیز با رجوع به برخی منابع، جزئیاتی از زندگی میرزامجبعلی خان شناخته گردد.

زندگی و مسئولیت‌ها

مجبعلی خان حسینی مردی یکانلو، پسر میرزاتقی از اولاد مرحوم میرقلینج بابا، مدفون در یکان کهریز^{۱۷} است. تاریخ تولد او به درستی روشن نیست. حصری تولد او را، با حدس و گمان، سال ۱۲۵۰ قمری نوشته است.^{۱۸} پدر او، میرزاتقی خوشنویس، در زمان محمدشاه قاجار از منشی‌های دیوان بود. به نوشته حصری، وی در دارالفنون، در رشته نظام تحصیل کرد.^{۱۹} برخلاف نوشته بامداد و حصری که مرگ او را ۱۳۰۸ قمری نوشته‌اند،^{۲۰} اسنادی موجود است که نشان می‌دهد تا سال ۱۳۰۹ در قید حیات بوده است. از جمله سواد مکاتبات او درباره حدود ایران و افغانستان که از ۱۰ شعبان ۱۳۰۸ تا ۳ صفر ۱۳۰۹ را شامل می‌شود.^{۲۱}

بنابراین، میرزامجبعلی خان تا سال ۱۳۰۹ در قید حیات بوده و تا آخرین روزهای عمر نیز به عنوان رئیس کمیسیون تحدید حدود ایران و افغانستان، و بعد به عنوان کارگذار خراسان مشغول انجام مأموریت بوده است.^{۲۲} از این رو، میرزامجبعلی خان کمی بیش از پنجاه سال از سوی وزارت

۱۷. یکی از دهستان‌های چهارگانه بخش مرکزی مرند که در شمال خاوری مرند قرار گرفته یکانات است. قسمتی از دهات این دهستان در کوهستان و دارای هوایی سردسیر بیلاقی است. این دهستان دارای ۱۹ آبادی کوچک و بزرگ است؛ از جمله یکان کهریز سفلی، یکان کهریز علیا و... نک: فرهنگ جغرافیایی رزم آرا، ج ۴، ص ۵۸۵.

۱۸. میرهدایت حصری، *آذربایجان فولکلورو* (تهران: انتشارات تابان، ۱۳۷۹)، ص ۳۹۲. این تاریخ قطعاً اشتباه است. زیرا، بنا به نوشته خود مجبعلی خان، وی در رجب ۱۲۵۶ به عنوان منشی میرزاجعفرخان مشیرالدوله همراه او عازم مأموریت استانبول شده بود. نک: بند ۱۳ رساله تاریخیه تحدید حدود. (مشخصات رساله در کتابنامه آمده است).

۱۹. حصری، ص ۳۹۲. حصری برای این خبر، هیچ سندی ارائه نکرده است. نگارنده نیز در جای دیگری به این مطلب برخورد کرده است.

۲۰. بامداد، ج ۵، ص ۵۶، حصری، ص ۳۹۲.

۲۱. خانبابا بیانی، *فهرست بخشی از اسناد و عهدنامه‌ها و سفرنامه‌ها و رساله‌های دوره قاجاریه*، نشریه شماره ۲ مرکز بررسی و تنظیم اسناد وزارت امور خارجه (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۵۴)، ص ۲۳۰؛ همچنین نویسنده *عین‌الوقایع مرگ میرزامجبعلی خان* را در ذیل وقایع سال ۱۳۰۹ آورده است. نک: محمدیوسف ریاضی هروی، *عین‌الوقایع*، به اهتمام محمدآصف فکرت (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲)، ص ۱۰۶.

۲۲. بامداد، ج ۵، ص ۵۶؛ یوسف متولی حقیقی، *افغانستان و ایران* (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳)، ص ۳۰۴ و بعد؛ محمدعلی بهمنی قاجار، *تمامیت ارضی ایران: سیری در تاریخ مرزهای ایران*، جلد اول: بررسی تفصیلی دوره رضاشاه (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰)، ص ۷۸-۹۱.

امور خارجه عهده‌دار مسؤلیت‌های مهم سیاسی به‌ویژه تحدید حدود ایران و عثمانی، و در اواخر عمر تحدید حدود ایران و افغانستان بوده است. سرانجام، وی در اثر بیماری مشمشه (آنفلوآنزا) در شهر تهران درگذشت.^{۲۳}

میرزاجعلی‌خان در آغاز مسؤلیت‌های سیاسی، سال‌های متمادی به عنوان منشی و دستیار میرزاجعفرخان مشیرالدوله مشغول انجام وظیفه بود. بعد از درگذشت مشیرالدوله در جمادی‌الثانی ۱۲۷۹، جانشین وی شد. نخستین آگاهی ما از سمت منشیگری میرزاجعلی‌خان، به مطلبی که خود او در بند ۱۳ لایحه تاریخیه تحدید حدود ایران و عثمانی^{۲۴} آورده است برمی‌گردد. وی می‌نویسد: «میرزاجعفرخان مرحوم نیز در شهر رجب ۱۲۵۶ روانه اسلامبول گردیده. درین سفر ثانی،^{۲۵} این بنده نیز به عنوان منشیگری سفارت آن مرحوم همراه بود. باز هیچ یک از این دو سفیر، موفق به اصلاح مواد نزاعیه نگشته، مراجعت به پایتخت دول متبوعه خود نمودند.»^{۲۶}

دومین آگاهی ما از مسؤلیت میرزاجعلی‌خان، به زمان مأموریت میرزاجعفرخان مشیرالدوله برای شرکت در نخستین کمیسیون مرزی ایران و عثمانی بازمی‌گردد. بعد از انعقاد عهدنامه دوم ارزروم،^{۲۷} چند کمیسیون مشترک میان ایران و دول ثلاثه شامل روس و انگلیس و عثمانی برای تحدید حدود دو کشور در مقاطع مختلف تشکیل شد. نخستین کمیسیون تحدید حدود، در ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۶۶ در بغداد تشکیل شد. نمایندگان چهار کشور حاضر در این کمیسیون، از این قرار بود: درویش‌پاشا به عنوان رئیس هیأت نمایندگی عثمانی و خورشیدپاشا به عنوان منشی و دستیار او. میرزاجعفرخان مشیرالدوله به عنوان رئیس هیأت نمایندگی ایران و میرزاجعلی‌خان به عنوان منشی و دستیار او. از جانب دولت روس، سرهنگ چریکف و از طرف دولت انگلیس، کلنل ویلیامز.^{۲۸} نخستین کمیسیون تحدید حدود، تا اواخر ذیحجه ۱۲۶۸ ادامه یافت و سپس بدون حصول به نتیجه،

۲۳. به نوشته حصارى بنا به وصیت میرزاجعلی‌خان، جنازه او را برای دفن به کربلا منتقل کردند. نک: حصارى، ص ۳۹۲.

۲۴. این لایحه، از سوی نگارنده تصحیح و منتشر شده است. نک: مجموعه رسایل فارسی، دفتر یازدهم (مشهد: بنیاد پژوهش‌های

اسلامی، ۱۳۹۲)، ص ۱۹۰-۱۳۵.

۲۵. سفر اول میرزاجعفرخان به استانبول، در پی تجاوز نیروهای علیرضا پاشا به خرمشهر در ۱۲۵۴ صورت گرفت، نک: بند ۱۳ رساله تاریخیه تحدید حدود. (مشخصات رساله در کتابنامه آمده است.)

۲۶. میرزاجعلی‌خان ناظم‌الملک، لایحه تاریخیه تحدید حدود ایران و عثمانی، خطی، کتابخانه ملی، شماره ۲۱۵۶/ف، برگ ۳۱.

۲۷. درخصوص کم و کیف انعقاد این عهدنامه و نیز اسناد آن، نک: اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنه‌الروم (۱۲۶۳-۱۲۵۸)، به کوشش نصرالله صالحی (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷).

۲۸. نک: سیاحتنامه مسیو چریکف، ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش علی اصغر عمران (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی،

۱۳۵۸)، ص ۴-۳. و نیز میرزاجعلی‌خان، لایحه تاریخیه تحدید حدود ایران و عثمانی، برگ ۳۶.

به کار خود پایان داد.

سومین آگاهی ما از زندگی میرزاجعلی‌خان، به پنج سال پیش از تشکیل دومین کمیسیون مشترک ایران و عثمانی (۱۲۹۱ق.) برمی‌گردد. اعتمادالسلطنه در ذیل وقایع ۱۲۸۶/۱۸۶۹ می‌نویسد: «چون به جهت برخی مواد سرحدیه دایره مابین دولتین علیتین ایران و عثمانی، باید کمیسیونی از طرفین مأمور و روانه سرحد شود، میرزاجعلی‌خان - ناظم دفترخانه وزارت خارجه - به اعطای خلعت همایون سرافراز و به جهت مقصود مزبور مأمور سرحد شد.»^{۲۹} این خبر در روزنامه دولت علیه با تفصیل بیشتر آمده است:

میرزاجعلی‌خان ناظم دفتر وزارت خارجه که مراتب خدمتگذاری او چه در مأموریت و کلای اربعه به سرحد، چه در جزو سفارت کبرای لندن و سفارت اسلامبول و چه در نظم دفتر وزارت امور خارجه به منصب ظهور رسیده بود، به استدعای معزی‌الیه با اعطای خلعت مهرطلعت سرافراز و به جهت برخی مواد سرحدیه دایره مابین دولت علیتین ایران و عثمانی که حسب المقرر قومسیون مخصوص از طرفین بایست مأمور و روانه سرحد بشود مأمور و قرین امتیاز آمده در پنجم شهر شوال روانه محل مأموریت خود گردید که به اتفاق مأمور دولت عثمانیه مواد مزبوره سرحدیه را به نحوی که مقتضای شأن مصافات کامله دولتین اسلام است انجام دهد.^{۳۰}

می‌دانیم که دومین کمیسیون تحدید حدود، بعد از یک وقفه طولانی، بار دیگر، با شرکت مأموران چهار کشور، در استانبول از سرگرفته شد (۱۲۹۱/۱۸۷۴). در این کمیسیون، این بار درویش‌پاشا و مصطفی‌پاشا - والی ارضروم - از طرف عثمانی و حاجی محسن‌خان معین‌الملک به عنوان وزیرمختار ایران، به جای میرزا جعفرخان مشیرالدوله که در سال ۱۲۷۹ درگذشته بود و میرزاجعلی‌خان مسئولیت داشتند. میرزاجعلی‌خان در ۱۴ جمادی‌الاول ۱۲۹۱ مأموریت یافت تا به عنوان نماینده ایران روانه استانبول گردد. در اسناد وزارت امور خارجه در این باره چنین آمده است: «میرزاجعلی‌خان برای رفتن به اسلامبول مهیا و جمیع لوازم مأموریت او راجع به وزارت امور خارجه از قبیل احکام و دستورالعمل و نوشتجات و اسناد و نقشجات سرحدیه و غیر کلاً بالانقصان حاضر است.»^{۳۱} میرزاجعلی‌خان، خود در این باره می‌نویسد:

عقد مجالس مزبور نیز چند سالی تأخیر به هم رسانیده، در سال ۱۲۹۱/۱۸۷۴ قرار شد در اسلامبول تشکیل مجالس بشود. این بنده و جناب [میرزاجعلی‌خان] معین‌الملک سفیرکبیر دولت علیه مقیم

۲۹. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷)، ج ۳، ص ۱۹۰۹. در صفحه ۲۱۰۳ همین اثر، از میرزاجعلی‌خان ناظم‌الملک با عنوان «نایب اول و مدیر اداره عثمانی» یاد شده است.

۳۰. روزنامه دولت علیه ایران، پنج‌شنبه ۲ ذیقعد ۱۲۸۶، نمره ۶۳۹، ص ۲.

۳۱. اسناد وزارت خارجه، به نقل از محمود فرهادمتمد، تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی، (تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶)، ص ۷۷.

اسلامبول که آن وقت وزیرمختار بود، از طرف دولت علیّه ایران برای مذاکرات مجلس مزبور مأموریت به هم رسانیده و از طرف دولت عثمانیه هم درویش‌پاشای معروف که در مجالس محمّره و گردش مأمورین دول اربعه در سرحد مأمور مخصوص دولت عثمانیه بود، به سمت مأمور اول و مصطفی‌پاشا به سمت مأمور ثانی معین گردید.^{۳۲}

در همین کمیسیون بود که میرزا محبعلی خان برای مقابله با ادعاهای درویش‌پاشا، اقدام به نوشتن لایحه‌ای به زبان ترکی در تعیین خط حدودی ایران نموده و به کمیسیون تقدیم نمود.^{۳۳} وی در این خصوص می‌نویسد:

این بنده [...] لایحه خود را نیز محتوی به دلایل کلیه آن که من جمله محمّره و زهاب بوده باشد، مرقوم و به مجلس تسلیم نموده و دلایل راجع به توضیحات را طوری مندرج نمود که باز دلیل مقبول شدن توضیحات از طرف ایران نشود. تفصیل خط حدودی که این بنده بیان و دلایلی که در ضمن لایحه خود ابرئیان نموده‌ام، عبارت از لایحه ترکی است که به فارسی و فرانسه نیز ترجمه شده است. یعنی، چون اصل لایحه چنان که اشعاری در جمله ۲۸ بر آن شد، به زبان ترکی بود که نکات مطلب به زبان ترکی بیان شده به سهولت معلوم عثمانیه بشود و ترجمه آن را هم به زبان فارسی خود متصدی گردید که نکات مقصوده به سبب ترجمه به فارسی فوت نگشته، حتی الامکان، نکات مندرجه در ترکی را کاملاً حاوی باشد، به فرانسه نیز ترجمه شد که صورت آن به مأمورین واسطه داده شده، بعد از امان نظر در لایحه، هر یک طرفین هرچه مقتضای رأی منصفانه ایشان خواهد بود از روی اطلاع کافی و آگاهی تمام از دلایل طرفین قلمی و در مجلس آتیه قومیسین مختلط ارائه و حالی نمایند. خریطه‌های طرفین که خط حدود تکلیفی خود را در روی آن ترسیم نموده بودند، با ترجمه فرانسوی لایحه هریک به مأمورین واسطه تسلیم شد.^{۳۴}

دومین کمیسیون تحدید حدود نیز به دلیل کارشکنی‌های درویش‌پاشا، ناکام ماند و کمی بعد دولت عثمانی درگیر جنگ بالکان شد، جنگی که درنهایت منجر به تشکیل کنگره برلین گردید. در همین کنگره بود که دولت عثمانی موظف به باز پس دادن بلوک قطور به ایران شد.^{۳۵} میرزا محبعلی خان بعد از پایان کمیسیون، به استانبول رفت تا برای بازپس‌گیری قطور، راهی آن منطقه شود. به این منظور، از سوی میرزا احسین خان مشیرالدوله - سپهسالار - خطاب به محبعلی خان، دستورالعمل

۳۲. میرزا محبعلی خان، همان، برگ ۴۴.

۳۳. از این لایحه، چهار نسخه خطی با نام‌های مختلف، در کتابخانه‌های مختلف موجود است. از جمله در کتابخانه ملی ملک با این مشخصات: «لایحه معتمدالسلطان میرزا محبعلی خان...»، نسخه خطی شماره ۴۳۲۶.

۳۴. میرزا محبعلی خان، لایحه تاریخیه تحدید حدود ایران و عثمانی، خطی، ملی، شماره ۲۱۵۶/ف، برگ ۴۷ و ۴۸.

۳۵. درباره طرح حقوق ایران در کنگره برلن، نک: مسعود مرادی، دفاع از منافع ایران در کنگره برلن ۱۸۷۸، مندرج در نخستین همایش ایران شناسی، مقالات تاریخی و جغرافیایی، (تهران: بنیاد ایرانشناسی (۱۳۸۱)، ص ۴۶۶-۴۴۹. و نیز محمدرضا نصیری، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، (تهران: کیهان، ۱۳۷۱) ج ۳، ص. سی و یک و دو.

مفصلی برای «تعیین حدود قطور و استرداد آن» ارسال شد.^{۳۶} میرزاجمبعلی خان بعد از دریافت دستورالعمل، از استانبول راهی محال قطور شد. وی در این خصوص می‌نویسد:

چون رد قطور به ایران داخل معاهده عمومی کنگره برلین شده و استرداد آن اهمیت مخصوصی پیدا کرده است، بدین جهت، می‌باید مقدماً بلوک قطور تخلیه و تسلیم ایران شده، بعد به تتمه مذاکرات حدود دولتین علیتین مباشرت شود. دولت عثمانی هم ظاهراً قبول کرده به تاریخ محرم سنه ۱۲۹۶ این بنده، برای تعیین حدود قطور، مأمور و از اسلامبول رو به قطور روانه و محمدصادق خان قاجار - امین نظام - نیز از طرف دولت علیّه مأمور به تحویل گرفتن بلوک قطور گردیده، قریب نوزده دهکده از بلوک مزبور را به انضمام قصبه قطور، عثمانیه تحویل مشارالیه و در باب تتمه اعتذار نمودند که حدود آن باید معین شده، بعد اگر باز مقتضی رد محلی بوده باشد، رد کند و حال آن که به ظن اولیای دولت ایران هنوز دهات عدیده از بلوک قطور در تصرف عثمانیه باقی بود و بایست رد کنند.^{۳۷}

مجمبعلی خان بعد از انجام این مأموریت، در ۱۲۹۷ به تهران بازگشت و بار دیگر در ۱۳۰۰ راهی قطور شد تا با حضور مأمورین دول ثلاثه به تکمیل مأموریت محوله در خصوص قطور اقدام کند، ولی به دلیل حضور نیافتن نمایندگان دولت‌های مزبور ناچار به تهران بازگشت. وی می‌نویسد:

باز در شهر شعبان ۱۳۰۰ مجدداً برای تعیین حدود آن‌جا بروفق قرار که دولتین واسطه گویا به ملاحظه قدرتی که قرار کنگره برلین در حق قطور به ایشان داده بود، مابین خودشان در حق حدود آن‌جا معین کرده و به دولتین اسلام اطلاع داده بودند، مأمور روانه گشته، باز هیچ‌یک از مأمورین واسطه و عثمانیه در سرحد حاضر نشده، این بنده نیز پس از انتظار طولانی به حکم اولیای دولت علیّه مراجعت به دارالخلافه تهران نموده، مشغول تقدیم سایر خدمات محوله به عهده چاکر خود گردیده.^{۳۸}

البته مجمبعلی خان، پیش از ترک محل مأموریت خود، طی مراسله‌ای به وزارت خارجه (۱۷ رمضان ۱۳۰۰)، حضور نیافتن مأمورین دول ثلاثه در تبریز، برای تحویل دادن دهات قطور را گزارش می‌کند.^{۳۹} از جریان مأموریت مجمبعلی خان، اثری به نام سفرنامه مأموریت سرحد قطور برای تحدید حدود باقی مانده که در فاصله زمانی ۲۰ شعبان ۱۳۰۰ تا ۸ محرم

۳۶. برای آگاهی از متن دستورالعمل نک: گزیده اسناد ایران و عثمانی، (تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۶۹) ج ۲، ص

۱۴۰-۱۴۸.

۳۷. میرزاجمبعلی خان، لایحه تاریخیه تحدید حدود ایران و عثمانی، برگ ۴۹؛ درخصوص احضار مجمبعلی خان از سوی مشیرالدوله برای انجام مأموریت مذکور، نک: تلگرافات عصر سپهسالار (خط تبریز ۹۶-۱۲۹۵)، به کوشش محمود طاهر احمدی (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۰)، ص ۶۳۴.

۳۸. میرزاجمبعلی خان، لایحه تاریخیه تحدید حدود ایران و عثمانی، برگ ۴۹ و ۵.

۳۹. نک: فهرست اسناد مکمل قاجاریه، جلد‌های ۶۴-۵۴، به کوشش محمدحسن کاووسی عراقی (تهران: وزارت امور خارجه،

۱۳۸۳)، ص ۴۴۳.

۱۳۰۱ به نگارش درآمده است.^{۴۰}

چنان که از فقره فوق برمی‌آید، محبعلی خان به عنوان رئیس کمیسیون سرحدی، تا اواخر سال ۱۳۰۰، عملاً درگیر مسئلهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی بوده و بعد از آن، به دلیل عدم تشکیل کمیسیون مشترک مرزی^{۴۱} در زمان حیات او، دیگر نقشی در این زمینه نداشت. البته، دیگر نه به عنوان رئیس کمیسیون تحدید حدود،^{۴۲} والا، با سمت «ناظر سرحدات کرمانشاه»، همچنان درگیر مسائل مرزی دو کشور بود. چنان که از سند ۲۵ صفر ۱۳۰۶ وزارت امور خارجه برمی‌آید، او در این تاریخ، سواد نقشه‌ای از حدود ایران به مقیاس کوچکتر در ۹ قطعه برای معین‌الملک - وزیرمختار ایران در استانبول - ارسال داشته تا وی با استفاده از این نقشه‌ها، بهتر بتواند از حدود ارضی ایران به موقع دفاع کند.^{۴۳} علاوه بر آن در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ شش رساله و لایحه ارزشمند دربارهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی از او باقی مانده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

سرپرستی هیأت ایرانی در تعیین حدود هشتادان

میرزا محبعلی خان به دلیل شایستگی در دفاع از تمامیت ارضی ایران، در اواخر عمر عهده‌دار مسئولیت مهم دیگری در تعیین مرزهای ایران در شرق کشور شد. وی در ۱۳۰۴ قمری به عنوان رئیس کمیسیون تحدید حدود به همراه پسرش، میرزا جهانگیرخان، که سمت منشیگری او را داشت راهی خراسان شد.^{۴۴}

در سال ۱۳۰۵ دولت ایران و افغانستان برای حل و فصل اختلافات خود در منطقهٔ هشتادان^{۴۵}

۴۰. گفتنی است که از جریان مأموریت محبعلی خان، اثری به نام *سفرنامهٔ مأموریت سرحد قطور برای تحدید حدود باقی مانده* که در فاصلهٔ زمانی ۲۰ شعبان ۱۳۰۰ تا ۸ محرم ۱۳۰۱ به نگارش درآمده است. این اثر به قلم فرزند او، میرزا جهانگیرخان، که سمت منشیگری محبعلی خان را برعهده داشته، به رشتهٔ تحریر درآمده است. نسخهٔ خطی آن متعلق به کتابخانهٔ شخصی دکتر محمد مکرری (۱۳۰۵-۱۳۸۶) در پاریس است. عنوان مذکور عیناً در صفحهٔ نخست اثر آمده است. کپی این نسخه را آقای دکتر اسماعیل شمس، از استانبول تهیه کرده‌اند. از ایشان برای دراختیار گذاشتن این اثر سپاسگزارم.

۴۱. گفتنی است که اختلاف مرزی دو کشور در طی دو کمیسیون مذکور، حل و فصل نشد. کمیسیون سوم در ۱۳۲۳/۱۳۰۵ و کمیسیون چهارم در ۱۳۳۰/۱۹۱۲ تشکیل شد. پروتکل معروف ۱۹۱۳ حاصل کمیسیون اخیر است که به امضای میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه نمایندهٔ ایران رسید. نک: آدمیت، ص ۵۹۸.

۴۲. به نوشتهٔ بامداد، حاجی میرزا محمدعلیخان، در سال ۱۳۰۴ قمری، ملقب به ثقة‌الملک شد و به جای میرزا محبعلی خان ناظم‌الملک «رئیس ادارهٔ امور متعلقه به عثمانی» گردید. نک: بامداد، ج ۶، ص ۲۴۱.

۴۳. نک: فهرست اسناد مکمل قاجاریه، ص ۲۸۷.

۴۴. بامداد، ج ۵، ص ۵۶.

۴۵. هشتادان جلگه‌ای است با هشتاد رشته قنات که در حدفاصل تایباد در ایران و غوریان در افغانستان قرار دارد.

تن به حکمیت دولت انگلیس دادند. بدین ترتیب، از افغانستان هیأتی به سرپرستی جنرال غوث‌الدین و از ایران هیأتی به سرپرستی میرزامجبعی‌خان و هیأتی از انگلیس به سرپرستی مکین - کنسول انگلیس در مشهد - عهده‌دار مذاکره و حل اختلاف فیما بین شدند.^{۴۶} دولت ایران با انتخاب مجبعی‌خان به عنوان کسی که بیش از چهار دهه از عمر خود را صرف مسائل سرحدی ایران و عثمانی کرده بود، در واقع بهترین گزینه ممکن را انتخاب نمود. ناصرالدین شاه در بالای یکی از نامه‌های سفارت انگلیس که از شاه درخواست شده بود تا اجازه دهند «برای بستن راه اختلاف، خطِ سرحد چند متر به طرف باختر کشیده شود، برای اینکه سرچشمه قناتهایی که مال افغان است در خاک افغان باشد»،^{۴۷} تشخیص امر را به مجبعی‌خان واگذار کرده و می‌نویسد: «جناب امین‌السلطان، در فقره تغییر علامات و بردن به سر قنات نمی‌دانم صلاح است یا نه و هیچ اطلاعی ندارم. باید فوراً این فقره را با تلگراف رمز از ناظم‌الملک مشهد سئوال بکنید که آیا می‌توان این پیشنهاد را پذیرفت یا نه؟»^{۴۸}

چنانکه وی در دفاع از تمامیت ارضی ایران در منطقه هشتادان به خوبی از عهده برآمد. مجبعی‌خان با «مهارت دیپلماتیک» بارها با توسل به استدلالهای منطقی به رد ادعاهای نماینده انگلیس، مکین، پرداخت و «حدود ادعایی مکین در مورد هشتادان را تبدیل به دلیلی برای مالکیت ایران بر سرتاسر هشتادان» کرد.^{۴۹} بنابراین، «در سایه تدبیر و ایستادگی میرزامجبعی‌خان، حاکمیت دولت ایران بر مناطقی از خاکش تثبیت گردید.»^{۵۰}

مجبعی‌خان علاوه بر هشتادان در مسأله اختلاف بر سر موسی‌آباد و خوشابه نیز با قاطعیت تمام برخورد نمود. زمانی که وی با ابراز تردیدهای مکین نسبت به حاکمیت ایران بر این دو منطقه مواجه شد با اعتراض تند و صریح و هشدار به مکین مبنی بر ترک حکمیت، موجب شد تا افغان‌ها موقتاً از تجاوز به موسی‌آباد و خوشابه صرف‌نظر کنند. با این حال، وی خطر یورش دوباره افغان‌ها را به این دو منطقه و ادعای حکومت افغانستان، منتفی نمی‌دانست. از این رو، با ارسال

۴۶. نک: زهرا لطفی، «مسأله هشتادان و رقابت‌های منطقه‌ای افغانستان و ایران»، «مجله جامعه فردا»، س ۱، ش ۳ (زمستان ۱۳۸۵)،

ص ۳۲۰؛ صفایی، *مرزهای نارام* (تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲)، ص ۱۱۲-۱۱۱.

۴۷. نامه سفارت انگلیس در طهران به تاریخ ۲۱ رمضان ۱۳۰۸، به نقل از صفایی، ص ۱۱۶.

۴۸. صفایی، ۱۱۷. و نیز: صفایی، *نامه‌های تاریخی*، ص ۹۱-۹۰.

۴۹. بهمنی قاجار، *تمامیت ارضی ایران*، ص ۸۲.

۵۰. بهمنی قاجار، ص ۸۵؛ برای آگاهی از بخشی از مکاتبات مجبعی‌خان با وزارت امور خارجه درباره هشتادان در فاصله محرم

تا ذیحجه ۱۳۰۵، نک: محمدعلی بهمنی قاجار، *ایران و افغانستان از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی* (تهران: مرکز اسناد و تاریخ

دیپلماسی، ۱۳۸۵)، ص ۴۲۲-۴۰۵؛ و نیز: صفایی، *مرزهای نارام*، ص ۱۱۹-۱۱۱.

نامه‌ای به سهام‌الملک - حاکم خواف و باخرز و جام - نسبت به حفظ امنیت مرزها تدابیر خاصی را پیشنهاد نمود. از جمله در بخشی از نامه مزبور نوشت: «واضح است که اگر افغان این دفعه نیز همچو جسارتی بکند و کسی به دهنش نزند، هر روزه نظایر این اقدامات را در امتداد خط سرحد خراسان و قائنات در هر نقطه از نقاط قرب حدود، بلکه متدرجاً در داخل حدود نیز، خواهند کرد...»^{۵۱} البته، توصیه‌های محبعلی خان چنان که باید جدی گرفته نشد تا جایی که افغان‌ها، با اعزام نیرو، موسی‌آباد را گرفتند و در آن‌جا استقرار یافتند.^{۵۲} درست هفده سال بعد، یعنی در ۱۳۲۲ قمری، فرزند محبعلی خان - میرزاجهانگیرخان - که در کمیسیون تحدید حدود هشتادان سمت منشیگری پدرش را برعهده داشت، درباره پیش‌بینی و تشخیص درست پدرش در حاشیه نامه او به سهام‌الملک به تاریخ ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۰۵، نوشت:

از ملاحظه این سواد معلوم خاطر مبارک خواهد شد که هفده سال قبل، تمامی این اوضاع آینده این نقطه سرحدیه را مرحوم ناظم‌الملک ابوی پیش‌بینی کرده و آن‌چه لازم بوده به جاهای لازم نوشته بوده است که این اوضاع حالیه جلوگیری شده باشد و به وقوع نرسد. سرچشمه شاید گرفتن به بیل / [چو پرشد نشاید گرفتن به بیل]. باز باید به تأییدات خدوندی همت گماشت و اتفاقات محتمله آتیه را جلوگیری کرد.^{۵۳}

کارگذاری خراسان

به نوشته بامداد، محبعلی خان در اثنای مأموریت تعیین حدود ایران و افغانستان، در ۱۳۰۶ به جای میرزاصادق خان، کارگذار خراسان شد. او پسرش میرزاجهانگیرخان را نیز به سمت معاونت کارگذاری منصوب کرد. مأموریت پدر و پسر تا اواخر ۱۳۰۷ به مدت دو سال ادامه یافت و در سال ۱۳۰۸ جزو کارمندان وزارت خارجه که در آن زمان اصطلاحاً آنان را صاحب منصبان وزارت خارجه می‌گفتند و در حقیقت منتظرین خدمت محسوب بودند، درآمدند.^{۵۴}

اعتمادالسلطنه، نیز، به مأموریت جدید پدر و پسر در خراسان اشاره کرده است.^{۵۵} از طرفی، سندی از محبعلی خان به تاریخ ۱۱ شوال ۱۳۰۷ در اختیار داریم که او به عنوان مأمور امور مرزی خراسان،

۵۱. اسناد وزارت خارجه، کارتن ۱۹، پرونده ۱۷، شماره ۵، (۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۰۵)، به نقل از بهمنی قاجار، *ایران و افغانستان...*

ص ۴۰۹.

۵۲. بهمنی قاجار، *تمامیت ارضی ایران*، ج ۱، ص ۹۰.

۵۳. بهمنی قاجار، *ایران و افغانستان*، ص ۴۱۰-۴۰۹؛ بهمنی قاجار، *تمامیت ارضی ایران*، ج ۱، ص ۹۰.

۵۴. بامداد، ج ۵، ص ۵۶.

۵۵. اعتمادالسلطنه، *المآثر والآثار*، ج ۱، ص ۴۱۵.

خطاب به میرزا عباسخان قوام‌الدوله - وزیر خارجه - نوشته است.^{۵۶} این سند حاکی از این است که «محبعلی خان مهندس» بعد از چند دهه مسؤلیت در مسائل مرزهای غربی، از سال ۱۳۰۴ به بعد، برای رسیدگی به امور مرزهای شرقی، بدان خطه مأموریت یافته است. به جز این سند، اسناد متعدد دیگری، نیز، از ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ در دست است که همگی مربوط به فعالیت‌های محبعلی‌خان در سمت کارگذاری خراسان می‌باشد.^{۵۷}

سال‌های پایانی زندگی

چنانکه اشاره شد، پنج سال پایانی عمر محبعلی‌خان، یعنی از ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ قمری، صرف رسیدگی به اختلافات مرزی ایران در شمال شرق کشور شد. همین امر موجب شد که دیگر نقش عملی و بارزی در مسائل مربوط به مرزهای غرب کشور نداشته باشد. با این حال، اسناد و مدارک متعددی از او به جا مانده که نشان می‌دهد محبعلی‌خان با وجود حضور در خراسان، همچنان به عنوان کارشناس زبده محل رجوع دولتمردان در امور مرزهای غرب کشور مورد مراجعه بوده است. رسائل و لوایح باقی مانده از او گواه این امر است.

در فاصله زمان مذکور، شش رساله و لایحه درباره مرزهای غرب کشور، به قلم محبعلی‌خان، از او باقی مانده است. وی در برخی از این آثار دانش و تجارب خود را، در مورد مسائل مربوط به تحدید حدود ایران و عثمانی، در اختیار مراجع ذیربط گذاشته است. رسائل و لوایح مزبور از این قرار است:

۱. لایحیه تاریخیه تحدید حدود ایران و عثمانی (شعبان ۱۳۰۰)
۲. عریضه به وزارت خارجه در باب اسامی نهرهای باغسای (ذیحجه ۱۳۰۱)
۳. عریضه به وزارت خارجه درباره حدود پشتکوه لرستان (ذیحجه ۱۳۰۱)
۴. لایحه تحدید حدود ایران و عثمانی (جمادی‌الثانی ۱۳۰۲)^{۵۸}
۵. لایحه در باب تعلق ملکیت دشت وزنه من اراضی لایجان ساوجبلاغ به ایران (ذیقعه ۱۳۰۷)

۵۶. برای آگاهی از متن سند، نک: صفایی، اسناد سیاسی دوران قاجار (تهران: چاپ شرق، بی‌تا)، ص ۹۸؛ و نیز: صفایی، مرزهای نآرام، ص ۱۱۹-۱۱۳.

۵۷. نک: فهرست اسناد مکمل قاجاریه (جلدهای ۵۴-۶۴)، به کوشش محمدحسن کاووسی عراقی (تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۳)، صفحه‌های مختلف.

۵۸. از این رساله، دو نسخه خطی موجود است: یکی در کتابخانه ملی به شماره ۱۹۱۹ در ۵۴ برگ و دیگری در کتابخانه مجلس به شماره ۲۷۷۵ از صفحه ۲۱۴ تا ۲۸۱.

۶. کتابچه دستورالعمل (جمادی‌الثانی ۱۳۰۹)^{۵۹}

در «سمت انشا و سررشته‌داری موقوفات» آستان قدس رضوی

میرزا محبعلی خان از اواخر ۱۲۷۸ قمری، برای مدتی، خدمتگزار آستان قدس رضوی بوده است. خود وی در بازنویسی «طومار علیشاهی» به منصب اسمی و رسمی خود - انشا و سررشته‌داری - و آن چه که در عمل بدان می‌پرداخته است، تمامی وظایف «متولی‌باشی»، یعنی «رتق و فتق تمامی امور آستان مطهر»، اشاره کرده است: «...اقل بندگان محبعلی منشی یکانلو که به تاریخ سنه ایت‌ائیل سعادت تحویل، مطابق سنه ۱۲۷۹ و اواخر ۱۲۷۸ شرف انتساب به خدمتگزاری آستان قدس بنیان حاصل نموده، اسماً سمت انشا و رسماً سررشته‌داری کامل موقوفات و فعلاً و معناً رتق و فتق تمامی امور آستان مطهر و تنظیم و تنسیق کل را که وظیفه متولی‌باشی است، مشرف بود...»^{۶۰} با وجود این، آگاهی چندانی از این دوره از زندگی او در دست نیست، به‌جز آن که، در این دوره دو طومار مهم آستان قدس رضوی را کتابت کرده و مقدمه‌ای نیز بر آن‌ها نوشته است.

کتابچه طومار علیشاهی^{۶۱}

علیقی خان افشار، ملقب به عادل‌شاه و علیشاه (حک: ۱۱۶۰-۱۱۶۱ ق.) برادرزاده نادرشاه (حک: ۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق.) پس از کشته شدن نادر، و استقرار در مشهد به عنوان جانشین او در ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۱۶۰، یکصد زوج از رقبات و املاک خود را وقف آستانه مقدسه امام رضا^(ع) کرد. او، بر حسب نذر خود، دستور داد مشخصات و نشانی این موقوفات و دیگر موقوفه‌ها و املاک و رقبات وقفی آستان مقدس رضوی را در طوماری در رمضان ۱۱۶۰ گردآورند. در آن طومار، تمامی موقوفات و املاک با مشخصات بیشتر آن‌ها، از جمله حدود، درآمد، و مسایلی مانند آن، تشکیلات اداری، و وظایف، و نوع مسئولیت هریک از کارگزاران و مستخدمان آستان قدس با اسم و رسم تمامی افراد، حقوق، ساعت کار، مصارف و هزینه‌ها، و مسایلی مانند آن ثبت شده است. این طومار

۵۹. این رسائل و لوايح از سوی نگارنده تصحيح شده و در آستانه انتشار است.

۶۰. نک: معرفی نسخه خطی کتابچه طومار علیشاهی، در سایت کتابخانه ملی، و نیز: رضا نقدی، «موقوفات نادرشاه و علیشاه

افشار در مشهد مقدس»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، س ۱۲، ش ۴۶ (تابستان ۱۳۸۳)، ص ۹۱-۹۰.

۶۱. نسخه خطی این کتابچه در کتابخانه ملی به شماره ۱۷۹۶۳/۲-۵ موجود است، با این مشخصات: پدیدآورنده علی‌قلی افشار،

تألیف در رمضان ۱۱۶۰، کاتب و مقدمه نویس محبعلی خان منشی حسینی مرندی یکانلو ملقب به ناظم‌الملک، کتابت در ۱۲۷۹ ق.

ص ۲۹ب-۴۹ب (۵۰برگ)، ۴۵-۱۷س.

که به منزله دستورالعمل سنواتی آستان قدس به شمار می‌آمد و بعدها به «طومار علیشاهی» معروف شد، از قدیمی‌ترین و باارزش‌ترین اسناد مربوط به موقوفات آستان قدس رضوی است.^{۶۲} به همین سبب میزاج‌مبعلی‌خان ناظم‌الملک از بیم تصرف «دستِ ناهلی» در متن این سند، نسخه‌ای از آن را برای کتابخانه خود کتابت کرده است. او در ابتدای نسخه (ص ۲۹) درباره این طومار و تحریر نسخه آن می‌نویسد:

سواد فرمان علیشاهی است که در باب نظم و قرار املاک موقوفه آستان قدس بنیان حضرت سلطان سریر ولایت و ارتضا، علی بن موسی‌الرضا علیه السلام و نظم و تفکیک مشاغل و مراتب و راتبه و مواجب خدام و الامقام آستان خادم اختتام آن حضرت نوشته شده و اصل فرمان مزبور در کتابخانه مبارکه آن حضرت موجود و ضبط است به پارچه سفید حریر قلمی شده است. چون گاهی به صرافت ایام دست ناهلی به آن رسیده و پاره‌ای جاها سیاه و قلیلی که مایه نقص اعتبار آن نشود مظهر حک و اصلاح شده بود، اقل بندگان محبعلی منشی یکانلو که به تاریخ سنه ایت‌ائیل سعادت تحویل، مطابق سنه ۱۲۷۹ و اواخر ۱۲۷۸ شرف انتساب به خدمتگزاری آستان قدس بنیان حاصل نموده، اسماً سمّت انشا و رسماً سررشته‌داری کامل موقوفات و فعلاً و معنأ رتق و فتق تمامی امور آستان مطهر و تنظیم و تنسیق کل را که وظیفه متولی‌باشی است، مشرف بود، در صیانت فرمان مزبور نیز که از جمله اسناد معتبره آستان مبارک فیض‌آثار است، تأکیدات لازمه به عمل آورده من جمله این سواد را نیز همان ایام از روی همان اصل معتبر مطابق آیه برداشته داخل کتابخانه خود نگاهداشت که هم مایه تیمن و تبرک جاوید خود و اخلاف و هم شاید یک وقتی به جهت امور آستانه مطهره وسیله رفیع تشاجر و اختلاف شود. و الصلوه و السلام... و رحمه الله [و] برکاته.^{۶۳}

کتابچه طومار عضدالملکی^{۶۴}

کتابچه طومار تفصیلی املاک موقوفه خاصه و مطلقه آستان مقدس علی بن موسی‌الرضا^(ع) بر اساس طومارها، افراد (سیاق‌های) قدیم و جدید، وقفنامه‌ها، و اسناد معتبر شرعی موجود در کتابخانه

۶۲. برای آگاهی بیشتر نک: علی مؤتمن، راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی (تهران: بانک ملی، ۱۳۴۸)، ص ۲۵۷. برای آگاهی از «خلاصه و مفاد طومار»، نک: همان، ص ۲۵۸-۲۳۰.

۶۳. نک: معرفی نسخه خطی کتابچه طومار علیشاهی، در سایت کتابخانه ملی، و نیز رضا نقدی، موقوفات نادرشاه و علیشاه افشار در مشهد مقدس، فصلنامه وقف میراث جاویدان، س ۱۲، ش ۴۶، تابستان ۱۳۸۳، ص ۹۱-۹۰.

۶۴. نسخه خطی این کتابچه در کتابخانه ملی به شماره ۱۷۹۶۳/۱-۵ موجود است. با این مشخصات: پدیدآورنده سیدمحمدحسین حسینی عضدالملک متولی‌باشی، تألیف بین سال‌های ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۵ قمری، کاتب و نویسنده مقدمه محبعلی‌خان منشی حسینی مرندی یکانلو، ملقب به ناظم‌الملک، کتابت در؟ قمری. ص ۳-۲۷ (۵۰ برگ)، ۴۳-۱۴ س. این کتابچه نخستین بار در کتاب «آثار الرضویه من منتخبات الصدیقه» با ارقام سیاق به صورت مغلوط به چاپ سنگی رسیده است. برای دومین بار از سوی شورای علمی وقف مرکز خراسان‌شناسی و آستان قدس رضوی با ارقام جدید، به صورت محدود در سال ۱۳۷۹ خورشیدی چاپ شده است.

آستان قدس رضوی، از زمان گذشته تا زمان تدوین طومار، یعنی ماه رجب ۱۲۷۳ (تیلان ٹیل) است. این کتابچه به دستور میرزا محمدحسین عضدالملک، تولیت‌باشی آستان قدس رضوی در سال‌های ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۵ تدوین شده است. عضدالملک در همان ابتدای مسئولیت خود^{۶۵} برای اطلاع از میزان موقوفه‌های واقفان آستان مقدس امام رضا(ع) اعم از املاک و عقار و خان‌ها و حمام‌ها و مستغلات، دستور می‌دهد تمامی وقفنامه‌ها، طومارها، و اوراق پراکنده به خط سیاق، در یک طومار گردآوری شود. سپس این طومار به مهر و تأیید علما و اعیان برسد و در کتابخانه مبارکه نگاهداری شود. این طومار، معروف به «طومار عضدالملکی»، پس از «طومار علیشاهی» دومین طومار مهم آستان قدس است. طول آن ۱/۹ متر و عرض آن ۴۴ سانتی‌متر است. این طومار به تأیید بسیاری از علما و رجال و مسئولان آستان قدس و مستوفی الممالک وقت و ناصرالدین شاه رسیده است. در آن تمامی موقوفات بالفعل آستان قدس رضوی تا سال ۱۲۷۳ گردآمده است و از ثبت بسیاری املاک موقوفه که اسامی آن‌ها در وقف‌نامه‌های قدیمی آمده، و برخی متمردان و معاندان در سال‌های پیش در آن دست برده، و تصرف کرده‌اند خودداری شده است. عضدالملک برای حفظ این طومار، و جلوگیری از تعدی به مطالب آن در آینده، برخی کارگزاران آستان قدس را مأمور می‌کند هریک نسخه‌ای از این طومار تهیه و به صورت کتابچه‌ای نزد خود نگاه دارند. نسخه ملی به شماره ۱/۱۷۹۶۳-۵ توسط میرزا محبعلی خان کتابت شده است. البته این نسخه فاقد مقدمه طومار عضدالملک است، در عوض محبعلی خان در ابتدای نسخه مقدمه‌ای به قلم خود در شش صفحه نوشته است. در این مقدمه از چگونگی تدوین این طومار به تفصیل یاد کرده است. متن طومار شامل ذکر موقوفات به اختصار و اعداد به حساب سیاق است. امتیاز این نسخه به خط و مقدمه محبعلی خان است که به دستور میرزا محمدحسین عضدالملک، تولیت وقت آستان قدس رضوی کتابت شده است.^{۶۶}

سخن پایانی

میرزا محبعلی خان ناظم‌الملک، از دوره محمدشاه قاجار، وارد دستگاه وزارت خارجه شد و تا اواخر دوره ناصرالدین شاه، در این وزارتخانه، عهده‌دار مسئولیت‌های متعددی بود. از آن‌جا که وی آشنایی خوبی از دانش جغرافیای طبیعی داشت، و نیز از مناطق و حدود غربی کشور به خوبی آگاه بود و

۶۵. عضدالملک دوبار در فاصله سال‌های ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۷ قمری و ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۳ عهده‌دار این مسئولیت بود. نک: مؤتمن،

همچنین به زبان ترکی عثمانی نیز تسلط داشت، از همان ابتدای خدمت در وزارتخانه مزبور در حوزه مسائل مربوط به عثمانی، به ویژه حدود مرزی دو کشور، به خدمت پرداخت. کار او با دستیاری و منشیگری میرزاجعفرخان مشیرالدوله آغاز شد و همراه او دوبار به مأموریت عثمانی رفت. محبعلی خان، بعد از درگذشت میرزاجعفرخان مشیرالدوله، به جای او رئیس کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی گردید. وی در این مسئولیت بود که چندبار برای شرکت در مجالس کمیسیون مشترک دو کشور که همراه با نمایندگان دول روس و انگلیس تشکیل می شد، عازم استانبول گردید. محبعلی خان، در مقام رئیس کمیسیون سرحدی، بیش از دو دهه به انجام وظیفه پرداخت. او علاوه بر اقدامات عملی، در راستای مسئولیتی که داشت، به تألیف رسائل و لوایح مهم در دفاع از حد و حدود مرزی ایران، پرداخت. جدای از آن‌ها، هزاران برگ سند درباره مرزهای ایران در غرب و شمال شرق کشور از خود باقی گذاشت. در طول مأموریت‌های طولانی اغلب فرزند خود میرزاجهانگیرخان را نیز به عنوان منشی در کنار خود داشت. جهانگیرخان به دلیل تخصص و تسلطی که در مسائل سرحدی ایران یافت، بعد از پدر جانشین وی شد. دوران مأموریت پدر و پسر کمی بیش از یک قرن می شود. میرزاجهانگیر خان در دو سند مختلف به سوابق طولانی خود و پدرش در مسائل سرحدی ایران و عثمانی اشاره می کند. یکی در نامه‌ای خطاب به وثوق‌الدوله درباره حل و فصل اختلافات با دولت عثمانی به تاریخ ۴ محرم ۱۳۳۲ می نویسد: «... اکنون عرض می کنم بمنه تعالی این خدمت بکلی به صرفه دولت و مطابق آرزوهای چهارصدساله به حسن انجام رسید و چون پدرم پنجاه و نه سال و خودم چهل و سه سال در این راه زحماتها کشیده خونابه‌ها خورده اطلاعات و تجربتها حاصل کرده بودیم، منتهای آرزوی بنده در نوکری موفقیت به انجام این مسئله بود که مبدا بنده از میان بروم و خونابه‌های صد ساله پدرم و خودم به هدر رفته باشد.»^{۶۷} وی نه سال بعد از نگارش این نامه، در نامه مبسوط دیگری خطاب به ریاست مجلس شورای ملی - مؤتمن‌الملک - به تاریخ شوال ۱۳۴۱ درباره سوابق خدمتی خود و پدرش می نویسد: «در این مسئله سرحدیه، پدرم مرحوم میرزاجهانگیرخان ناظم‌الملک که مکرر به مأموریت کمیسیون سرحدی رفته اطلاعات کافی به دست آورده لوایحی در اثبات حق دولت با ادله و براهین رسمیه نوشته و به دولت تقدیم کرده بود، علاوه بر نتیجه یک عمر فداکاری آن مرحوم که متخصص این فن بودند و آنچه این بنده از ایشان آموخته به یادگار داشتیم در اسلامبول به کتابخانه‌های اسلامبول رفته به تواریخ عثمانی رجوع و ادله و براهینی از کتاب‌های خودشان استخراج و در اثبات حقوق دولت به

کار می‌بردیم تا به توفیقات خداوند عزّ اسمه این قسم موفقیت حاصل شود.^{۶۸} آثار مکتوب این دو شخصیت دربارهٔ مرزهای ایران در واقع به مثابهٔ کتابخانه یا بایگانی اسنادی بود که در فقدان بایگانی رسمی اسناد، به عنوان یگانه مرجع قابل استناد در اختلافات مرزی مورد استفاده دولتمردان دوره‌های بعدی قرار گرفت. کم‌این‌که در دورهٔ مظفری و حتی چند سال بعد از مشروطه که در اثر تجاوز عثمانی به قلمرو ایران، بار دیگر اختلافات مرزی به یکی از مسائل اصلی کشور تبدیل شد و وزارت خارجه موظف به پیگیری گردید، نمایندگان ایران در استانبول برای دفاع از مرزهای ایران هیچ سند و مدرکی به‌جز آثار مکتوب باقی مانده از محبعلی خان و فرزندش در دست نداشتند. برای اثبات این امر اسناد ارزشمندی در دست است. از جمله احتشام‌السلطنه می‌نویسد: در دورهٔ مظفری که مسئولیت تحدید حدود ایران و عثمانی را برعهده من گذاشتند «از دولت و وزارت خارجه تقاضا کردم اسناد و مدارک آرشیوی که خطوط سرحدی و حدود تعریف و تعیین شده دو مملکت را مشخص نماید، در اختیارم بگذارند. جواب دادند: اسناد و مدارک مضبوط و مرتبی نداریم. شما بهتر است زودتر حرکت کنید و خودتان را معطل این جزئیات غیرلازم نکنید.»^{۶۹}

احتشام‌السلطنه در ادامه، ضمن معرفی اعضای هیأت همراه خود به حضور میرزا جهانگیرخان ناظم‌الملک اشاره کرده و ضمن تعریف و تمجید از او می‌نویسد: «ناظم‌الملک بعضی یادداشت‌ها و کتابچه‌های خطی از مرحوم پدرش به ارث برده بود که مورد استفاده ما قرار گرفت.»^{۷۰}

در همین زمینه، سند دیگری مربوط به بعد از مشروطه در دست است که در آن به نقش و اهمیت کوشش‌های محبعلی خان و فرزندش در تحدید حدود ارضی اشاره شده است. در نامهٔ مزبور که از سفارت ایران در استانبول در ۲۳ رمضان ۱۳۳۰ به وزارت خارجه نوشته شده، آمده است:

آقای ناظم‌الملک که خودش و پدرش نود و دو سال^{۷۱} در این رشته [مسائل سرحدی ایران و عثمانی] کار کرده و تجربت‌ها دیده‌اند و این بنده هم که چند سال است وارد این مسائل شده و بصیرت‌ها و اطلاعاتی

۶۸. میرزا جهانگیرخان ناظم‌الملک، همان، ص ۱۲۸

۶۹. *خاطرات احتشام‌السلطنه*، به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی (تهران: زوار، ۱۳۶۶)، ص ۵۵۵. احتشام‌السلطنه در ادامه این فقره با تعجب می‌پرسد: «دولت از اختلافات دویست ساله مرز عثمانی سوابق مضبوط ندارد! ای افغان، از زمان نادرشاه تاکنون چند قرارداد با عثمانی‌ها در زمینهٔ اختلافات سرحدی بسته شده، میرزاتقی خان مرحوم پنج سال و میرزاجعفرخان مشیرالدوله بیشتر از دوازده سال در آن حدود متوقف بودند و بیش از پانصد فقره راپورت به دولت داده‌اند. نمایندگان روس و انگلیس یکصدسال است در قضیهٔ اختلافات سرحدی ایران و عثمانی وساطت و دخالت کرده‌اند، چگونه وزارت خارجه و دولت می‌گویند سابقه نداریم و مدارکی موجود نیست.» همان، ص ۵۵۵.

۷۰. همان، ص ۵۵۷.

۷۱. البته صحیح آن صد و دو سال است. پیشتر جهانگیرخان به دورهٔ زمانی خدمت خود و پدرش اشاره کرده بود.

حاصل کرده‌ام، بر وفق تعلیمات کتبی و دستورالعمل‌های واصله تلگرافی، با این که هیچ‌گونه اسباب کاری جز کتابچه‌های مرحوم ناظم‌الملک نداشتیم و اطلاعات صحیحه که بتوان اطمینان کرد، جز کتابچه‌های مزبوره دسترس نبود با تحصیل بعض کتاب‌ها و رجوع به کتابخانه‌های معروف این شهر و وسایل سایرہ جداً درصد تکمیل اطلاعات خود بوده و به یک جدیت فوق‌العاده صمیمی که هر یکی خود را به حکم وجدان مقروض ادای این خدمت می‌دانیم، داخل مذاکره شده شب و روز به تهیه مطالب و ترتیب اولیه و براهین و حاضر کردن جواب‌ها و طرح سوالات مشغول بوده...^{۷۲}

اشارات هر دو سند مذکور حاکی از نقش و جایگاه اسناد خانوادگی میرزامجبعلی خان و فرزندش در پیگیری مسائل مرزی ایران و عثمانی در طول بیش از صد سال است. این دو شخصیت، نه تنها چند دهه متمادی به طور عملی درگیر تحدید حدود ایران و عثمانی بودند، بلکه هر یک به سهم خود در ثبت و ضبط اسناد مربوطه و نیز تدوین رسائل و لوايح تحدید حدود نقش مهمی داشتند. آثار آن‌ها به مثابه اسناد متقن در اثبات تمامیت ارضی ایران بارها از سوی نمایندگان دولت ایران در مذاکرات مربوط به مسایل سرحدی مورد استفاده قرار گرفت.

کتاب‌نامه:

- آدمیت، فریدون. *امیرکبیر و ایران*. تهران: انتشارات خوارزمی، ۲۵۳۵.
- احتشام‌السلطنه، میرزامحمو خان. *خاطرات احتشام‌السلطنه*. به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۶۶.
- اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنه‌الروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸). به کوشش نصرالله صالحی. تهران: اداره انتشار دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. *المآثر والآثار*. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۶۳.
- _____ . *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- بامداد، مهدی. *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. تهران: زوار، ۱۳۴۷.
- بهمنی قاجار، محمدعلی. *ایران و افغانستان از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۵.
- _____ . *تمامیت ارضی ایران، سیری در تاریخ مرزهای ایران*، جلد اول: بررسی تفصیلی دوره رضاشاه. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۹۰.
- تلگرافات عصر سه‌سپهسالار (خط تبریز ۹۶-۱۲۹۵). به کوشش محمود طاهراحمدی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۰.
- چریکف، سیاحتنامه مسیو چریکف. ترجمه آبکار مسیحی. به کوشش علی اصغر عمران. تهران: شرکت سهامی

کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸.

- حصاری، میرهدایت. *آذربایجان فولکلورو*. تهران: انتشارات تابان، ۱۳۷۹.
- رزم‌آرا، علی. *جغرافیای نظامی ایران (آذربایجان باختری)*. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۲۰.
- _____ . *جغرافیای نظامی ایران (کردستان)*. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۲۰.
- _____ . *جغرافیای نظامی ایران (کرمانشاهان)*. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۲۰.
- ریاضی‌هروری، محمدیوسف. *عین‌الوقایع*. به اهتمام محمدآصف فکرت. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- ساسانی، خان ملک. *یادبودهای سفارت استانبول*. تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۴.
- صفایی، ابراهیم. *اسناد سیاسی دوران قاجار*. بی‌جا: چاپ شرق، بی‌تا.
- _____ . *مرزهای نآرام*. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲.
- _____ . *نامه‌های تاریخی*. تهران: انتشارات بابک، ۲۵۳۵.
- فرهادمعمد، محمود. *تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*. تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶.
- _____ . *گزیده اسناد ایران و عثمانی در دوره قاجار*. تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹.
- _____ . *متولی حقیقی، یوسف*. *افغانستان و ایران*. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳.
- _____ . *مشایخ فریدنی، آرمیدخت*. *مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دو کشور*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- _____ . *مشیرالدوله، میرزا جعفرخان*. *رساله تحقیقات سرحدی*. به کوشش محمد مشیری. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- _____ . *ممتحن‌الدوله شقاقی، میرزا مهدی خان*. *رجال وزارت خارجه*. به کوشش ایرج افشار. تهران: نشر اساطیر، ۱۳۶۵.
- _____ . *مؤتمن، علی*. *راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی*. تهران: بانک ملی، ۱۳۴۸.
- _____ . *نصیری، محمدرضا*. *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)*. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.

نسخه‌های خطی:

- «دستورالعمل مقرب الخاقان میرزا محمبعلی خان برای تعیین حدود قطور و استرداد آن». *گزیده اسناد ایران و عثمانی*. ج ۲. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹، ص ۱۴۸-۱۴۰.
- _____ . *کتابچه طومار علیشاهی*. خطی، کتابخانه ملی، شماره ۱۷۹۶۳/۲-۵.
- _____ . *کتابچه عضدالملکی*. خطی، کتابخانه ملی، شماره ۱۷۹۶۳/۱-۵.
- _____ . *ناظم‌الملک، میرزا محمبعلی خان*. «*لایحه معتمدالسلطان میرزا محمبعلی خان*». خطی. کتابخانه ملی ملک، شماره ۴۳۲۶.
- _____ . *حقوق بین‌الملل*. خطی، کتابخانه ملی، شماره ۱۴۰۵.
- _____ . *لایحه تاریخی تعیین حدود ایران و عثمانی*. نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره ۲۱۵۶/ف. نیز

نسخه چاپی آن در: مجموعه رسایل فارسی. دفتر دهم. به کوشش نصرالله صالحی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۷. ص ۱۹۰-۱۳۵.

_____ . «لایحهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی.» مجموعه رسایل فارسی. دفتر یازدهم. به کوشش نصرالله صالحی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲. ص ۲۱۵-۱۶۵.

ناظم‌الملک، میرزا جهانگیرخان. سفرنامهٔ مأموریت سرحد قطور برای تحدید حدود. کپی نسخهٔ خطی متعلق به دکتر اسماعیل شمس.

_____ . منشآت و یادداشت‌ها. خطی، کتابخانهٔ ملی، ش. ۱۸۰۲۶-۵.

روزنامه:

روزنامهٔ دولت علیّهٔ ایران. ۲ ذیقعد ۱۲۸۶، نمره ۶۳۹.

فهرست‌ها:

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی، مجلس و آستان قدس.

فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). به کوشش مصطفی درایتی. تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.

فهرست بخشی از اسناد و عهدنامه‌ها و سفرنامه‌ها و رساله‌های دورهٔ قاجاریه. نشریهٔ شمارهٔ ۲. به کوشش خانابا بیانی. تهران: مرکز بررسی و تنظیم اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۵۴.

فهرست اسناد مکمل قاجاریه. به کوشش، محمدحسن کاووسی عراقی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.

مقاله‌ها

نقدی، رضا. «موقوفات نادرشاه و علیشاه افشار در مشهد مقدس.» فصلنامهٔ وقف میراث جاویدان. س ۱۲. ش ۴۶. تابستان ۱۳۸۳.

اسکوفیلد، ریچارد. «تدقیق مرزها: تلاش‌های نیمهٔ قرن نوزدهم برای نقشه‌برداری و علامت‌گذاری مرزهای ایران و عثمانی.» جنگ و صلح در ایران دورهٔ قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون. ترجمهٔ حسن افشار. تهران: نشر مرکز ۱۳۸۹.

لطفی، زهرا. «مسألهٔ هشتادان و رقابت‌های منطقه‌ای افغانستان و ایران.» مجلهٔ جامعه فردا. س ۱. ش ۳. زمستان ۱۳۸۵.

وفادار، محمد. «نسخه‌های خطی ترکی در کتابخانهٔ فیض آثار رضوی.» نسخهٔ الکترونیکی در اینترنت.

مسعود مرادی. «دفاع از منافع ایران در کنگرهٔ برلن ۱۸۷۸.» نخستین همایش ایران‌شناسی. مقالات تاریخی و جغرافیایی. تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۱.

صدری، منیژه و رحیم نیکبخت. «هویت ایرانی در آستانهٔ مشروطه به روایت رساله‌ای نویافته از میرزا جهانگیرخان ناظم‌الملک.» پیام بهارستان. دوره دوم. س ۱. ش ۱ و ۲. پاییز و زمستان ۱۳۸۷. ص ۲۱۵-۱۸۷.

منابع مرتبط با موضوع به زبان‌های ترکی و انگلیسی، برای آگاهی:

خورشیدپاشا، تحدید حدود ایراتیہ مأموریتیلہ فی ۲۸ صفر سنہ ۱۲۶۵ [و فی ۱۱ کانون سنہ ۱۲۶۴] تاریخندہ طرف دولت علیہ دن اعزام بیورلمش اولان متوفی درویش پاشا ایله برلکده بولنان انقره والیسی اسبق متوفی خورشیدپاشا طرفندن قلمہ النمش اولان لایحه در. در سعادت: محمودبک مطبعه سی، ۱۳۰۰ ق.

درویش پاشا، دولت علیہ ایله ایران بیننده اولان حدودک لایحه سیدر. استانبول: مطبعه عامره، ۱۲۸۷.

Ateş, Sabri. *The Ottoman-Iranian borderlands: making a boundary, 1843-1914*.

Cambridge: Cambridge University Press, 2013.

Aygun, İbrahim. "Erzurum Konferansı (1843-1847) ve Osmanlı-İran Hudut Antlaşması".

Atatürk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Tarih Anabilim Dalı, Doktora Tezi, Erzurum 1995.

Hurşid Paşa, Mehmed. *Seyahatname-i Hudud*. Çevrimyazi: Alaattin Eser. İstanbul: Simurg, 1997.

Schofield, Richard. *The Iraq-Iran Border 1840-1958*. Vol. 2. London: Archive Editions in association with the international Boundaries Research Unit. Durham: University of Durham, 1989.

بسم الله الرحمن الرحيم

معلوم است که در وقت معاملات در لویه است که مسئله دو دما بین هر طرفی که عمده و در هر طرف
 باید بیشتر بود تا به جهت این مسئله دو دما بین این دو عثمانی هم ازین جهت است زیرا که
 صفور که اولین پادشاه صفوی است پس از فتح خراسان و کرمان آنرا با چنان سبب در دست
 داشت نزد خفته بغداد که که تصرف تغلیب تصرف نمود در حالی که هنوز در عثمانی مغربان
 مفره امیر تورکی بود و از آمدن و سیواس و کماخ باین طرف گذشته بود
 بعد سلطان سلیمان از طرف کرمان از سطوت او در شورش بود در عهدش طهارت اول صفور
 که در تاریخ مجاریه و الخواجه شاه اسعد اول صفور را بدین سبب که طهارت اول صفور را در
 بدین وجه بر خیزانید که در سبیل بر کشتن سلطان سلیمان از حصاره و بانه با تخت او ستر با تو
 با ایران آغاز می نمود پس از مبارات طرف در دست نه صد و چهار صد نفر بغداد و در
 هر دو آورده خود متصرف شد تا او را در نه صد و شصت نفر سواره در میان بر این مرتبه بود که
 نامهاست قبل از طرفین سوار در حصاره نشانی فریدون بک که در این وقت
 مصالحه که الصالح خیر الله تاریخ آن گردید و از باز در حق بعضی مواد سرحدیه عالی از سبب خفته از آن

در المین و بیستین
ترجمه لایحه ترکیه است که سلطان نیز از مجتهدان ناظم الملک و سایر
وزارت جدید خارجه در تشخیص صحت و لیس علیستین الفخر عثمانی برواق
معا به اخره از مردم مورچه شده و بعضی دلایر را حقه بان نامیزد
در قوسیدون مخطوطه اسلامبول
دولت علیه ایران با اینکه در خصوص صحت و لیس ولادت کرده
در خارج غیرا منطقه غیر بطور رسمی در کماله نه در تصرفات علیه
دعا در حقه داشته باز قضی ملاحظه خیزد اینکه ناروغ صحت و لیس
بنی اردستان آمده داشته است بر موط لیس فخرین بر طرفین
از طرف از طرفین مطمح گفت که در باره این نام آنها معاره است
و در ضمن آن کتبه دعا در باره قطع و کتبه است عمده نامه خارجه
چنانکه در مجلس گفته بان نمونه ایم منصفه است
تبدیلات رتبه و قرار داد و اسراس لیس معاره خارجه از طرف
فخرین و اطراف نیز موجب تحریرات رتبه و اطراف اطلاع



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خورشید سلطنت حیدر و فیما بین نین ایران و عثمانی استبداد یافته اسباب ظهور خاندان
 زبیر شده بعد آنرا از طوطی و طماع در تین فحشین ترس طین روس و انقلابی مکتب
 مخفی مرکب از ماوراء النهرین شاد ایطاد در تین اسلام در بلده از ضرورت کمید و
 سال نیا که فتنه بقصد عهدنامه خیره از ضرورت مورخه ۱۲۶۲ هجره کرده در ضرورت
 فرایند قرار تا مصلحت در تین عیشتین از بسط نامتعارف (خلیج فارس تا کره) خمر لایحه
 معین قطع و قصد شده یعنی بوجه قصد در آن روح حمزه و جزیره انحصار و
 شط العرب در ایست نام قدر قصد معین و در حق سیرا ضرورت حیدر
 آن در طرفین ترک ادعا شده و نتیجه خط استاتو قوی ارضی سیرا زبیر و بنظر خط

(۳)

واقع شد تا التیوز خطوه ضلعده اولوق اوزره مربع الشكل طبراقدن معمول برسور ایله محاط و یوزالی قدر عرب خانه لر بی شامل برقریه ایسه ده خط حدود قدیمه دولت علیه ذکر اولانان (مجره) قریه سیاه آخی البیان جزیرة الخضیر و لنگرگاه و بونلرک طرف شرف ایزده واقع اولوب (مجره) ایله برابرا اولونک تصرفه کچمیش اولان و بعضیاری چوقدنیزو خراب و معطل بولسان لواء قبان شمالی و قبان جنوبی و لواء حصار و معاویه و دیگر محلات حدود قدیمه دولت علیه داخلنده قانق اوزره بصره کورفری ساحلده واقع بر نقطه دن بدأ ایله محسال مذکورده نیک اوتنه طرفلرندن کچرک نفس (مجره) نیک بش الی ساعت مسافه شرف ایستده و کارون نهرینک جانب یمینده کاش کوت العبد نام بر خرابیه قدر نمد اولوب اورادندخی قصرین یسندن مرور ایدرک بصره یه تابع قدیم سویب و نشوه سنجاقلرله حویزه مالکی اراضی یاری تفریق ایدرکدن قورنه دن بام ساعت اشانی محله شط العربه منصب اولان سویب نهرینک طرف یسازنده واقع شریعه نام محله واروب بو خطک جانب غربی جنوبیسی دولت علیه طرفده و طرف شرقی شمالیسی ایران دولتی طرفده بولدیغی تحقیق و استخبار اولمش و مارالذکر (مجره) دن ایچرو بولان قبان شمالی و جنوبی و حصار و معاویه و ابو جنایع و محال ساثره یه دائر احتجاجه صالح اوله ورق اشبو بندق التنده مرقم سندات ملکیه و بصره قلمنده محفوظ دقار عتیقه ده نیجه قودات معتبره کورمش اولدیغندن و ارضه و مده عقد اولان معاهده اخریه اوزرینه باب عالی ایله دولتین متوسطین سفرا سی یینده جریان ایدن استیضاحات و ایضاحات اقتضاس نیجه طرف اشرف دولت علیه دن ایران

تجدید حدود ایرانیه یه مأمور فریق سعادتلو درویش پاشا حضرتلرینک مدت مأموریتده استحصالی ایلدیگی معلومانه کوره دولتین مالکی یینده کرک طرفین نیجه میانشده شمعدیگی متعارف اولان و کرک مساهدات قدیمه ده مذکور و مندرج اولان و محلری ارباب و قوقسندن بعض سندات ملکیه دن حدود قدیمه اولدوقلری استنتاج قانان حدودک ایتداسندن اتهاسنه قدر مرر خطوطیه حدود مذکور اوزرنده بولسان عشارک احواله و حدودجه عارض اولمش اولان اغتشاشات و تشویشات کیفیاته دائر بند بند نلمه آلوب فی ج سنه ۱۲۶۹ تاریخنده عرض و تقدیم ایلدیگی مذکورده .

بند ۱

مجره محروسه بصره نیک سکر ساعت مسافه اوتنه سننده یعنی طرف جنوبیسنده ایران مالکنک خوزستان طرفلرندن کابو شط العربه منصب اولان کارون نهرینک جانب یمینده و مذکور کارون نهرینک شط العربه منصب اولدیغی محله بر جاریک مسافه ده

بسم الله الرحمن الرحيم

احواله المرفورده و احدا سیه و احواله صیه و احواله شیه و احواله شیه و احواله شیه و احواله شیه
 الملمات و حرف لفظه ساعده و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله
 الطاهر بن المعصوم الکبریٰ صلی الله علیه و آله و سلم و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله
 الامکات عرض از کارش این کارش نامه و بحث بر بجز اینها یکس که خاتم حمد
 سنا بر جرت السجده است که بظن و شهادت و علم غیبی و حافظ قانون لایع ملک و
 ملکوت بمقاله الیه کلی با احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله
 برکت و حرف کاف و نون از احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله
 که سنا بر لفظ معجزه و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله
 برج است به برکیده تا با احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله
 به ایت از احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله
 اخبار لا ارب مؤید و مطهر و مومر و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله
 یعرف لک الله شمع محراب الی احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله و احواله



ع



سفارت میرزا سید جعفر خان مشیرالدوله

از راست بچپ ۲ - شریف الحکماء میرزا علی اکبر خان ۳ - میرزا محبعلی خان

ناظم‌الملک مرندی ۴ - میرزا محمدعلی خان نظمیه - ۵ - میرزا اسحاق خان

سفارت حاجی شیخ محسن خان معین‌الملک (مشیرالدوله)



نشسته از چپ بر است میرزا صادق‌خان مترجم - حاجی میرزا نجفعلی خان منشی اول سفارت
میرزا مجبعلی ناظم‌الملک مسأ مور حدود - حاجی شیخ محسن خان معین‌الملک - نریمان خان
مستشار سفارت - میرزا حوادخان جنرال کونسول - میرزا محمدعلی خان تبریزی برادر میرزا
جواد خان - ملا سلیمان تبریزی روضه خوان سفارت

ایستاده نفر پنجم محمد آقا تبریزی منشی دوم - نفر ششم حاجی میرزا حسن خان خبیر الملک
نفر هفتم میرزا عبدالغنی اصفهانی ناظر سفارت - نفر هشتم اسداله‌خان تبریزی آتاشه
این عکس در قوری چشمه انداخته شده است